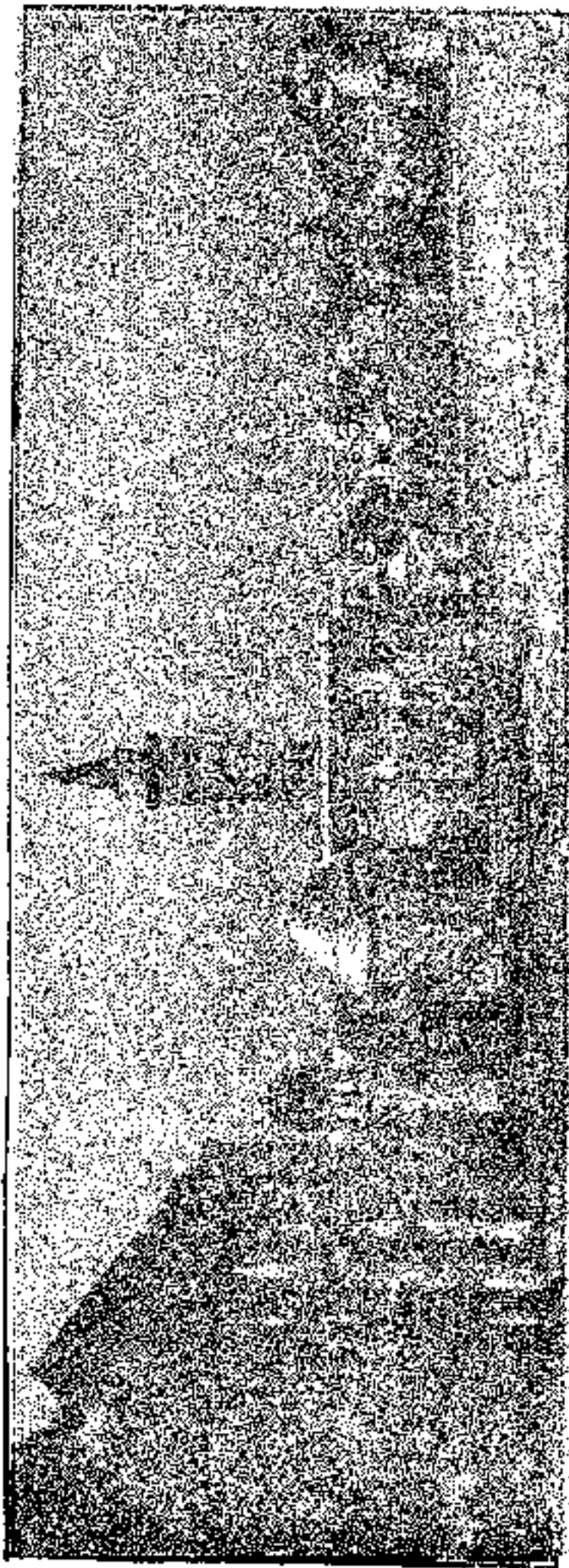


در سقوط بیت المقدس وحشت و اضطرابی که بعالم اسلام روی داد نظیر همان وحشت و اضطرابی بوده است که قبلاً بدنیای مسیحیت روی نموده بود. نام و نشان پیروان اسلام که در طول مدت پنج قرن سرتاسر دنیا را فرا گرفته بود چنین بنظر میآید که آن رو به انهدام گذاشته است لکن اگر بمسلمانان از این حادثه اطمنه بزرگی وارد شد، خود آن هم سبب گردید که آنها جنگ و نزاع داخلی خود را کنار گذاشتند. سلطان مصر با خلیفه بغداد رقابتی که داشت آنرا از نظر دور ساخته نمایندگان بدربار هم فرستاده و برای جلوگیری و جبران این حادثه بزرگ با هم بنای مشورت را گذاشتند. برای صلیبیان فتح بیت المقدس با دادن یک میلیون تلفات که تمام آنها عیسوی بودند نصیب گردید. بعلاوه یک قسمت اروپا هم بر باد رفته بود و انتظار میرفت که چنین فتح مهیب گرانیهائیرا تا مدت معتناسبی در قبضه خود نگاه خواهند داشت ولی خلاف آن بعمل آمده و در عرض چند سالی بیت المقدس از دست آنان برای همیشه خارج شده در سایه عاطفت پیروان اسلام قرار گرفت.

غود فروای بیادشاهی بیت المقدس معین شده بود و شکی نیست که او از نظر شجاعت و دلوری شایسته این مقام هم بوده ولی مسلم است که از شجاعت و دلوری تنها کشور اداره نمیشود. این مرد هر قدر که در کشور گیری رشید و قابل بود همانقدر در کشور مداری و اداره آن عاجز و ناتوان بوده است. از خیلی زود وفات نمود ولی بودوئن جانشین وی هم مثل خودش تا لایق بیرون آمد.

سال ۱۱۱۹ میلادی که بودوئن فوت کرد از حکومت مسیحیان در فلسطین مدت بیست سال گذشته بود و نتیجه ای که از این حکومت حاصل شده این بود که کشور بکلی بر باد رفته و اثری از عمران و آبادی نبود. طرز انتظام عمر مالوک الطوائفی اروپا را در این جا هم معمول و مجری داشته اند. اراضی بین سردارها تقسیم شده بود. گنت طرابلس استقلال و بافا هر یک با دیگری همیشه با هم مشغول نزاع و جنگ بودند و بالاخره این ستم پیشکن که جز اندوختن مال و جمع کردن ثروت منظوری نداشتند



(۱۵۸) - منظره حرم شریف که در داخل آن میتوان مسجد عمر و مسجد سلیمان را در بیت المقدس مشاهده نمود

این کشور را که در حکومت عاقلانه اعراب چقدر معمور و آباد بوده با قدم سریمی ویران نموده بکلی برباد دادند .

ثاك دوویتی (۱) بطریق عکا

که از جمله مورخین آن عصر محسوب است در تاریخ بیت المقدس خود راجع بفتحین اولیه صلیب چنین مینویسد :

• همانطور که درد از شراب .

تغاله از زیتون ، تلخه از گندم ، زنک از آهن پیدا میشود یک چنین نسل

مبتذل و شریر و بد عملی که برخلاف تمام احکام الهی عمل مینمودند از

اسلاف یاک و صلیبی های نخست که خدا

پرست بودند بوجو دآمدند . در ادنی

چیزی با هم در افتاده و مشغول جنگ

میشدند و بیشتر اتفاق می افتاد که بر

خلاف برادران دینی خود داز دشمنان

مذهب استمداد مینمودند و در

این زمین مقدس موعود غیر از یک

مشت بی دین ، دزد ، زنا کار ، کشنده

پدر ، شکننده قسم ، راهبهای مسخره

و عیاش و کثیشان شهوت پرست و دختران تارك دنیای بی شرم و بی حیا دیگر کسی وجود نداشت .

۱- Jacques de Vitry .

گیوم ناشده صور هم نظر آنرا ذکر کرده چنانکه در طی بیان خود راجع به نسلهای صلیبیان چنین مینویسد:

«ایشان در حقیقت بچه های شیطانند با ناموس طبیعت مخالف و دین و آئین را مسخره نموده و هر نوع عمل زشت و معاصی منکر را مرتکب میشوند. او بعد از این مینویسد که شایع اعمال آنها تا این درجه بر خلاف طبیعت انسانی است که اگر موزخی بخواهد تصویر آنرا بکشد هیچوقت نمیتواند از عهده حمل چنین بار سنگینی بر آید بلکه از بیان وی چنین معلوم میشود که او مشغول ساختن قصیده هجویه است به نوشتن تاریخ.»

زمانیکه نصاری این سر زمین را بر باد میدادند مسلمین مشغول به شرفت بوده و این کشور از دست رفته را بتدریج دو باره فتح مینمودند. کامیابی آنها در شام خاصه فتح ایلیسا چنان دعبی در عسویان فلسطین انداخت که آنها در نهایت پریشانی واضطراب از اروپا امداد خواستند.

برای همین کمک و امداد آنها بود که بالاخره اسباب جنگ دوم صلیب آماده گردید. **سن برنا** ^(۱) احس مذهبی مردم را تحریک نموده و در نتیجه **لوی هفتم** پادشاه فرانسه سردار لشکر معین شده بطرف فلسطین روانه گردیدند. **کنراد سوم** ^(۲) پادشاه آلمان هم شرکت کرده داخل جنگ گردید. **لوی هفتم** با یکصد هزار لشکر باسیای صغیر ورود نمود ولی لشکر او در اندک زمانی بکلی از هم پاشیده و بر باد رفت. ناچار از راه دریا فرار نمود و با ناطق کیه رسانید و از آنجا بلیاس بکتن زائر معمولی به بیت المقدس رفت. نیروی **کنراد سوم** هم همین حال را پیدا نمود.

در جنگ دوم هم رفتار و حرکات صلیبیان همان بود که در جنگ اول مذکور داشتیم. **آنکتیل** ^(۳) بکنفر قسوس در تاریخ خود مینویسد: «در میان صلیبیان اشخاصی که مقصودشان خدا و دین و آئین باشد خیلی کم یافت میشدند، در میان معاصی منکر و اعمال قبیح و زشت از قبیل ظلم و جور و قتل و غارت و سایر اعمال قبیحه چیزی نیست

۱- Saint Bernard. ۲- Conrad III. ۳- Anquetil.

که بآنها نتوان نسبت داد. **سن برنار** علت اصلی عدم کامیابی آنان را در این جنگ بظلم و ستم و ارتکابات شنیعه آنها میدانند.

اخراج کامل مسیحیان از بیت المقدس بدست سلطان **صلاح الدین** صورت گرفت و فقط او این افتخار را برای خود حاصل نمود. مشارالیه اول مصر و حجاز و بین النهرین را بتصرف خود در آورده سپس داخل شام شده **گوی دولوسینان** (۱) پادشاه ضعیف بیت المقدس را دستگیر کرده بزندان فرستاد و در سال ۱۱۸۷ میلادی شهر را فتح نمود و در عوض قتل عام نصاری جزیه خفیفی معین کرد از آنها گرفته شود و از غارت بکلی جلوگیری نمود.

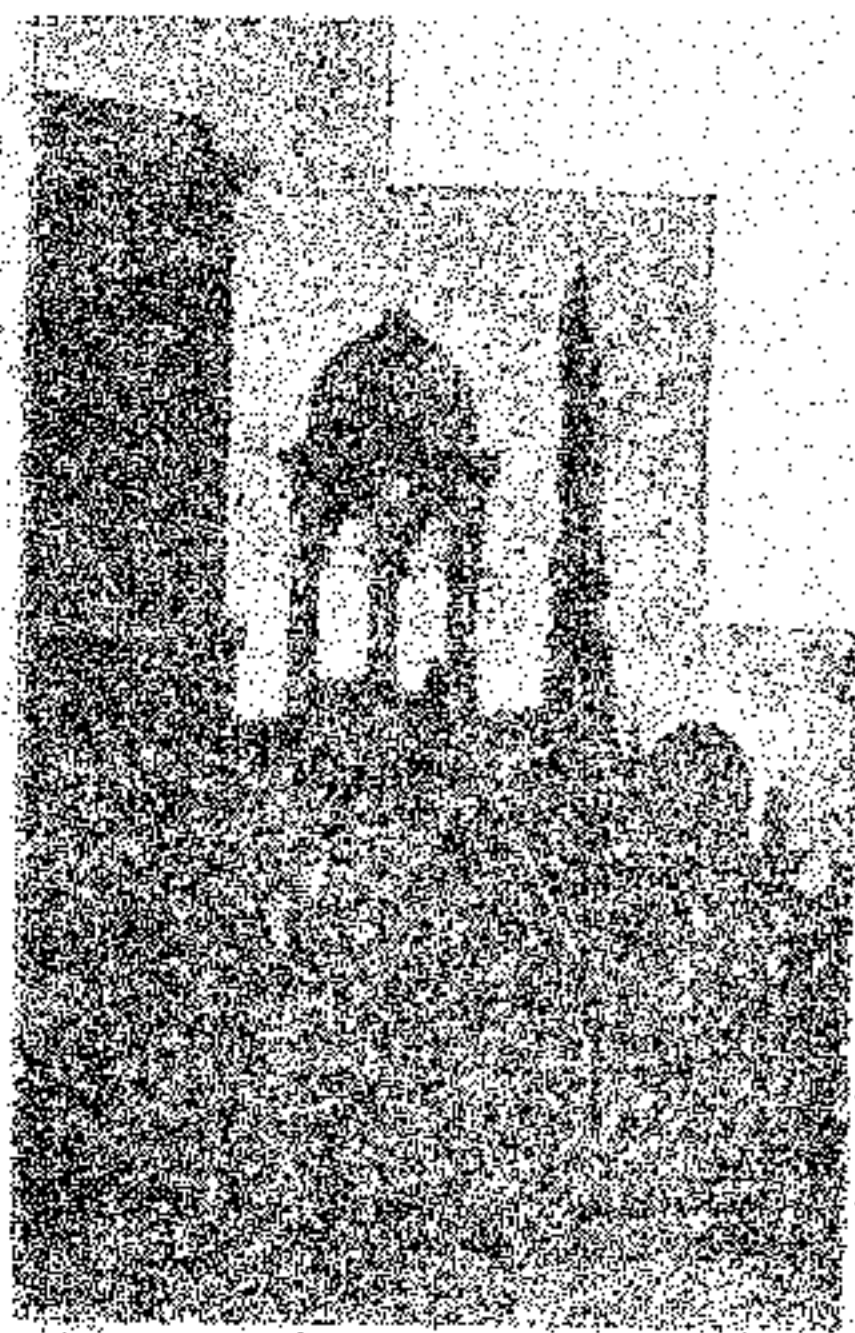
حکومت عیسویان در بیت المقدس بعد از ۸۸ سال خاتمه پیدا نمود و از آن زمان تا کنون که هفتصد سال گذشته با وجود جد و جهد و کوشش های زیاد هنوز این شهر مقدس دست پیروان اسلام باقی است.

چون تاریخ شش جنگ اخیر صلیبی که در آن جنگها اروپا با همه ناکامی دوباره در صدد فتح بیت المقدس بر آمده خالی از لطف است لذا ما آنرا بطور خیلی مختصر بیان مینمائیم:

جنگ سوم را **ولیم پيشواي صوږ** برپا نمود و آن از سال ۱۱۸۹ میلادی تا سال ۱۱۹۲ میلادی دوام داشت. سه نفر از سلاطین بزرگ اروپا یعنی **فیلیپ اوگوست** پادشاه فرانسه و **ریشار شیر دل** پادشاه انگلستان و **فردریک باربروس** پادشاه آلمن هر کدام سر دار این جنگ بودند. اما **باربروس** در آسیای صغیر اثر تن شوئی در آب سیدنوس (۲) وفات یافت و قسمت خیلی کمی از سپاه او خود را بشام رسانید. **فیلیپ اوگوست** بعد از چندی از خیالی که داشت منصرف گردید و او چند روزی در فلسطین توقف نموده و سپس ده هزار نفر از سپاهیان خود را به **دوک دو بورگنی** سپرده و خود بکشتی نشسته از صور مراجعت کرد.

۱- Guy de Lusignan. ۲- Cydnus.

تنها کسی که از آنها باقی ماند
 ریشار شیردل بود که مانند
 صلیبیان پیش شروع بسفاکی و
 حرکات وحشیانه نمود ، مثلاً در
 یکموقع جلو لشکر گاه مسلمین
 سه هزار اسیر را که اسلحه
 خود را کنار گذاشته بودند و
 امان هم بآنها داده بود بقتل
 رسانید ، گذشته ازین انواع و
 اقسام فجایع را مرتکب گردید ،
 این حرکتهای وحشیانه در وجود
 مثل صلاح الدین پادشاه بهادر
 و متینی چه تأثیری بخشیده و دروی
 چه خاطرهای ایجاد کرده که
 بمسویان بیت المقدس غفوعومی



(۱۵۹) - معراب مرمری معروف بحراب عمر در حرم داد و برای فیلیپ است و ریشار

شیردل در ایام بیماری ایشان انواع

قدیم بیت المقدس

اغذیه و ادویه مقوی فرستاده بود ؟ میشود بآن پی برد ، آری ! او باین نکته
 کاملاً پی برده بود که بین طرز فکر و کار بکنفر انسان مهذب و تربیت شده با بکنفر
 جاهل و وحشی تفاوت زیادی موجود است و باید با این وحشها بدنگونه رفتار
 نمود که انسان با سباع و درندگان صحرا مینماید ، خلاصه بعد از چندی ریشار بدون
 اینکه به بیت المقدس برسد از فلسطین مجبور بر مراجعت گردید .

نتیجه ای که از جنگ سوم صلیب بدست آمد همینقدر بود که مسویان شهرهای
 ساحلی چند را که باقی مانده بود در تصرف خود نگاهداشته و گویا برای رسیدن بهمین

مقصود کوچک و منظور غیر مهم بوده که سه نفر از سلاطین بزرگ و توانای اروپا با هم اشتراک مساعی نمودند.

جنگ چهارم تحت سرداری بودوئن کنت دو فلاندر^۱ از سال ۱۲۰۲ میلادی تا سال ۱۲۰۴ میلادی جریان داشت. صلیبیان تا آنوقت از خشکی به فلسطین میآمدند ولی از آن بعد مقرر گردید که از راه دریا این مسافت را طی نمایند، این بود مستقیماً از زارا^(۲) بقسطنطنیه که جزو حکومت عیسوی بود ورود نمودند.

بعد از ورود بقسطنطنیه صلیبیان چنین خیال کردند که کشور شام گذشته از بعد مسافت بواسطه لشکر کشی و حملات متوالیه سابقه بقدری خراب و تباہ شده که دیگر در آنجا چیزی باقی نمانده و امید تحصیل غنائم زیاد نیست. بر عکس قسطنطنیه که در دست همکیشان خودشان است مملو از ثروت و دولت میباشد و این خیال در ایشان بدرجه ای قوت گرفت که حاضر شدند شهر را، کدام شهر، همان شهری که بعنوان یگانگی و دوستی در آن ورود نموده بودند، غارت کنند. این سرداران بافتوت و مروت یکدفعه بنای دست درازی را گذاشته و سر تا سر این شهر را غارت نمودند. آن زمان در قسطنطنیه از ذخائر نفیسه صنعتی مخصوصاً از کتب نفیسه باستان

روم و یونان بکثرت موجود بود لیکن این ذخائر در نظر صلیبی های قرن سیزدهم همانقدر ارزش داشت که در نظر قوم سرخ رنگ وحشی امریکا داشته است. آنها اشیائی که از جنس زر و سیم نبود خرد کرده میان دریا ریختند. مجسمه های مرمر مشهور لیزیپ، فیدیاس، پراگزیتل^(۳) را بکلی شکسته و خرد نمودند و مؤلفات دمستن^(۴) و دیودور^(۵) و پولیب^(۶) را تا ابد از صفحه روزگار محو و نابود ساختند.

۱ - Boudouin comte de Flandre.

۲ - Zara، شهری است در اطریش که در ساحل آدریاتیک واقع است.

۳ - Lysippe, Phidias, Prapxitéle، این سه نفر از مجسمه سازان مشهور یونان و مجسمه هائی که ساخته اند مقام شهرت را حائز میباشند.

۴ - Demosthènes، از خطباء و نویسندگان زیر دست آتن و در فصاحت و بلاغت شهرتی بسزا داشت.

۵ - Diodore، یکی از مورخین مشهور یونان و از تصانیف او قسمت خیلی کمی در دست است.

۶ - Polype،

بودن و رفقای ی براسطه غنائم فراوانی که از غارت شهر بچنگ آورده بودند از خیال فتح فلسطین بکلی منصرف گردیدند. خود بودن با امپراطوری منتخب گردید؛ حتی اینوسان سوّم پاپ انتخاب او را با همه تجاوزات و افعال وحشیانه ای که مرتکب شده بود تصویب نمود و اما اینمطلب که اقتدار این سلطنت جدید چند روای - شرط اول نکشید چندان لازم بذاکر نیست؛ چه جنگجویان مذهب عیسوی در آنصورت بدرجه ای فاسد و شریر و وحشی بوده اند که صلاحیت اینکه بتوانند حکومت ثابتی تشکیل دهند نداشتند و فقط برای خرابی و ویرانی بد طولانی داشته چنانکه در نتیجتاً همین قیام چند روزه آنها در قسطنطنیه تمام ذخائر فنی و علمی باستان روم و یونان بیا دفنا رفت.

جنگهای پنجم و ششم صلیبی بکلی بی نتیجه ماند چه بجای حمله به بیت المقدس اکثر آنها بقصد غارت و تحصیل غنائم حمله بمصر برده ولی در آنجا هم موفق نشده بعد از شکست فاحش مجبور به مراجعت گردیدند.

فردریک دوم سرداری سیاه مختصری خود را به بیت المقدس رسانید و این پادشاه از برکت صلحی که بین مسلمین و نصاری منعقد شده بود رخصت یافت که بطور دوستانه وارد بیت المقدس گردد لیکن از بعد از آن مجبور شد بارویا مراجعت کند و بهمین نتیجه مختصر جنگ ششم صلیبی هم خاتمه پیدا نمود.

صورت این جنگها از آنوقت تغیر پیدا کرده و بعوض اینکه نبردهای مهم و معظم اروپا در آن داخل باشند فقط دسته های کوچک و مختصری آنها بقصد چپاول و غارت حمله میبردند.

با وجود اینکه بعد از جنگ اول صلیب پنج جنگ دیگری هم نظیر آن رویداد معذک بیت المقدس بلکه تقریباً تمام فلسطین در تصرف مسلمین باقی ماند. سن **لوتی** در سال ۱۲۵۸ میلادی هفتمین جنگ صلیب را تهیه دیده و با پنجاه هزار لشکر

از آگورت (۱) بطرف مصر روانه گردید . او در دامیت (۲) از کشتی پیاده شده و شهر را گرفت ، بعد بجانب قاهره پیشرفت ولیکن در اینجا شکست کامل دیده اسیر گردید و بعد از دادن خون بها خلاص شده بشام عزیمت نمود ، تا مدت دو سال هم که در آنجا بود نتوانست پیشرفتی حاصل کند ، عاقبت قبل از رسیدن به بیت المقدس به فرانسه مراجعت نمود .

سن لوئی با اینحال مایوس نشده بعد از شانزده سال اسباب جنگ دیگر صلیب را فراهم نمود و در چهارم ژوئیه ۱۲۷۰ میلادی باسی هزار پیاده و شش هزار سواره از آگورت با کشتی حرکت و بجانب تونس روانه شد و بدین امید بود که زمام سلطنت مسیحی آن حدود را خود بدست گرفته باشد ولی در بیست و پنجم اوت اوقات محاصره بمرض طاعون در همانجا از دنیا رفت . جنگ مزبور که جنگ هشتم است آخرین جنگ صلیب بوده و دوره لشکر کشی برای همیشه خاتمه پیدا نموده و شرق کاملاً در قبضه مسلمانین باقی ماند .

قطعات چندی هم که در فلسطین در تصرف عیسویان بود تمام از چنگ ایشان خارج گردید و بعد از آن پاپ ها برای يك قیام تازه هر قدر حس مذهبی مردم را تحریک نمودند تأثیری نبخشید چه جوش مذهبی که در اهالی اروپا وجود داشت بکلی تمام شده و نظر ایشان بطرف مسائل دیگری متوجه میگردد .

من در پایان تاریخ مختصر جنگ صلیبی نمیخواهم این سؤال را طرح کنم که آیا این تجاوز و حمله اروپا بمشرق حق بوده است یا نه ؟

راجع باینگونه سئوالات مورخین جدید خوب میتوانند قلمفرسایی کرده تقریظهایی بنویسند لکن بعقیده من اینسؤال ابدأ قابل این نیست که ادنی تأملی در اطراف آن بعمل آید زیرا که من در میان کشور ستانان قدیم با جدید کسی را ندیدم

۱. Aigues-Mortes خرابه شهر قدیم واقع در دهنه رودخانه رون . سن لوئی آنجا را آباد نموده و از همانجا سوار کشتی شده روانه جنگ صلیبی گردید ، دیوارهای قدیم آن هنوز باقی است .
۲. Damiette.

که حین شروع جنگ این مطلب در خاطر او خطور کرده باشد که آیا آن جنگ جایز است یا نه؛ آری چیزی که در نظر گرفته میشود همانا نفع و ضرر جنگ است، یعنی ملاحظه میکنند که این جنگ تا چه اندازه متضمن فائده یا محتمل خطر و ضرر است چنانچه کامیابی حاصل شد حاجت باقائه دلیل نیست، چه اصل کامیابی و فتح خود آنرا جایز قرار میدهد و بر فرض محال که احتیاج بشیوت داشته باشد انشاء پردازان میتوانند بخوبی از عهده آن برآمده و بهیچ اشکالی هم بر نخواهند خورد. همچنین نسبت خطا و جور بزور و قوت دادن خیلی سهل و آسان میباشد و ممکن است بوسیله بیانات آتشین و مقالات و کلمات برجسته ثابت نمود که حق نباید به دست زور از میان رفته محکوم قوت گردد ولی این قیاس نسبت ها یا شکایات در سیر طبیعی امور و زندگی روز مره ما همان تاثیر را دارد که ندبه و ناله در مقابل ضعف و پیری و مرگ دارا میباشد.

راجع به حوشناسی اصولی که در کتبها بنظر میرسد نمیشود آنرا برای یک قوم جزو دستور قرارداد و یگانه اصلی که از روی تاریخ جزو اصول مسلمه شمار آمده این است که «الحق امن غلب». زمانی که پاپ ها مردم را برای جنگ قیام داده و اروپا را برای چنین خونریزیهای هولناکی آماده مینمودند از روی تعلیمات مدونه این اقدام آنها برخلاف عدل و انصاف بوده است ولی ایشان در حقیقت از کشورگیران سلف و خلف تقلید مینمودند و بنا برین نمیتوان آنان را توبیخ و ملامت کرد، علیهذا ما از بحث جواز و عدم جواز جنگ مزبور صرف نظر نموده بییان نتایج و فوائد آنی و آنی یا مستقیم و غیر مستقیمی که از این جنگ های پرخطر نصب مغرب و مشرق شده عطف توجه مینمائیم.

فصل سوم

نتایج کشمکش و نزاع مغرب با مشرق

راجع نتایج این جنگها مورخین با هم در عقیده خیلی اختلاف دارند، بعضی ها



(۱۶۰) - دروازه حیفا در بیت المقدس

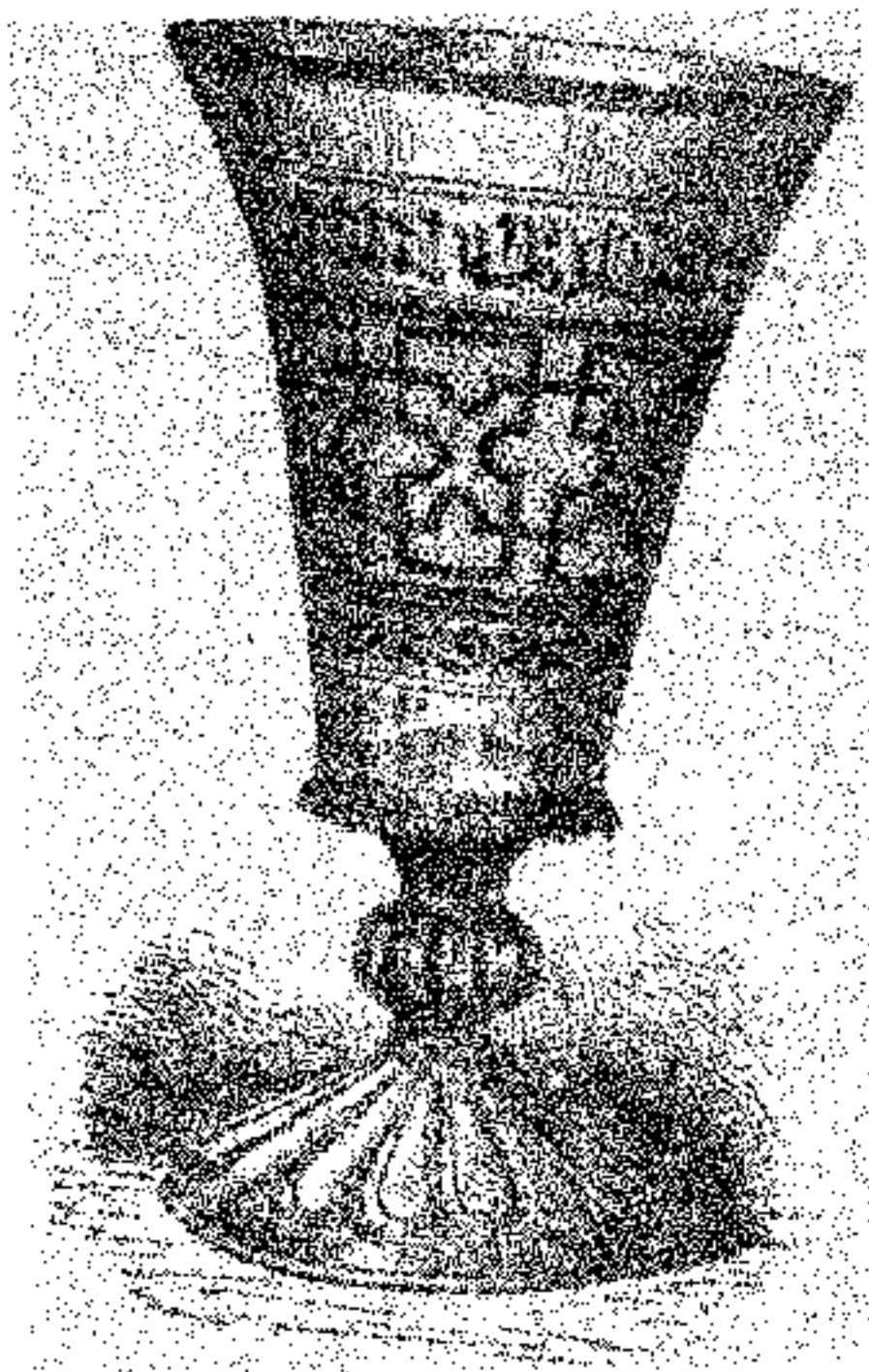
میشوبسند که مغرب از این جنگها نتایج مهمه زیاد و قابل توجهی گرفته و جمعی دیگر معتقدند که غیر از خسارت و ضرر و تباهی و ویرانی حاصل دیگری نداشته است. اگر ما جنگهای صلیبی را از نظر مقصود اصلی آن که عبارت از تصرف و تملك فلسطين باشد تحت مطالعه بگیریم بلا تردید باید گفت که آن بر خلاف مقصود انجام گرفته چه بعد از آنهمه

خسارت و مخارج گزاف و اتلاف صدها هزار نفوس نتیجه مطلوبه بدست نیامده و کشوری را که عیسویان میخواستند بگیرند در تصرف مسلمین باقی ماند. ولی اگر نتایج غیر مستقیم آن را ملاحظه کنیم معلوم است که این نتایج نهایت اهمیت را حائز و در این میانه بعضی نافع و بعضی دیگر مضر بوده اما جنبه نفع آن غالب است. بدیهی است اینگونه ارتباط مشرق و مغرب با هم نامدت دو بیست سال برای تمدن اروپا عامل مؤثری بوده ولی باید دانست که نتیجه فوق غیر از مقصودی بوده که مستقیم

از جنگ در نظر گرفته شده بود و این اختلاف کلی بین نتایج مستقیم و غیر مستقیم در تاریخ عالم بقدری زیاد است که میتوان آنرا یک قاعده کلی قرار داد؛ یعنی همیشه از يك سلسله وقایع مهمه نتایجی که در نظر گرفته شده نتایج دیگری عکس آن که ابدأ منظور و مقصود نبود بدست آمده است. برای بدست آوردن میزان تأثیر هر يك از مشرق و مغرب در دیگری لازم است که ترقی و تمدن این دو ملت را تحت نظر بگیریم. پر ظاهر است که در آنوقت مشرق از دولت عرب و اسلام اعلی درجه ترقی را دارا بوده بر عکس اروپا کاملاً در ظلمت توحش و بربریت فرو رفته بود چنانکه در ضمن بیان وقایع جنگ صلیبی معلوم شد سلبیان یکعده وحشیانی بودند که دوست و دشمن خودی و بیگانه را قتل و غارت نموده حتی ذخایر نفیسه علمی و فنی قسطنطنیه را که از یونان و روم باقی مانده بود بر باد داده بکلی نیست و نابود نمودند.

اهل مشرق از این وحشیها انتظار فایده ای نداشته اند و واقعاً هم هیچ فایده ای نبردند. تنها نتیجه غیر مفیده که عاید مشرق گردید این بود که آن از مغرب تنفر کلی حاصل نموده حتی بعد از سالیان دراز هنوز اثر آن باقی است. جهالت و ذلت، توحش و درندگی آمیخته بجنون، خاف عهد و نقض قسم صلبیان، مسلمین را از نصاری و دیانت آنان بکلی متنفر ساخت پس همین جنگها بودند که بین مشرق و مغرب فواصل ضخیمه ای ایجاد کرده که اثر آن تا کنون باقی میباشد.

نتایج مضرة جنگهای صلیبی نه تنها این بود که آن بن اقوام غربی و شرقی حس تنفر و عداوت شدیدی نواید نمود بلکه همین جنگها سبب گردید که نفوذ و اقتدار روحانی پاپ ها زیاد بلکه فوق العاده گردید. کشیها که سرداران صلیبی برای تهیه هزینه لشکر کشی بدست ایشان املاک خود را فروخته بودند متمول شده ثروتهای هنگفت بدست آوردند و بالنتیجه پاپ بر تمام اقوام و سلاطین اروپای حکمرانی را گذاشته و از طرف دیگر اخلاق کشیشان بواسطه تمول زیاد تغییر نموده بکلی فاسد گردیدند. ولذا بر اثر آن بهرور ایام مذهب پر و رستان عرض وجود نموده و انقلاب مذهبی خونینی تولید گردید.



از جمله نتایج مذموم و جنگهای صلیبی یکی اینست که آن ناچندین قرن پکرشته بی انصافی و عداوت و کینه های خیلی شدید مذهبی در دنیا پدید آورده و پایه قساوت و بیرحمی و خونخواری را بجائی رسانید که در غیر از مذهب یهود نظیر آن را بین اهل هیچ مذهبی نمیتوان پیداکرد. راست است که قبل از زمان جنگ صلیبی هم بازاری رحمی و بی انصافی مذهبی رواج زیادی داشت ولی منتهی بسفاکی و خونریزی نشده بود لیکن در جریان جنگهای مزبور جور و اعتساف مذهبی حقیقه بدرجه جنون

رسیده و در طول این مدت دو بیست سال عمده یات بر همانه و شقاوت کارانه در یکی از جنگهای صلیب آنرا همراه خود بارو با آورد .

بطوری در اروپا شایع و جزء طبیعت شده بود که هنوز اثر آن باقی است . کشیشان عیسوی تا این حد بخونریزی عادت کرده بودند که در اشاعت مذهب خود و تباهی ملل غیر مسیحی همان قساوت و جور را بروز میدادند که ابتدا برای کفار و بت پرستان مقرر شده بود ، در مقابل يك نقصیر مختصر و کوچکی شدیدترین عقوبات را روا میداشتند . فاجعه قتل عام یهود و آلبیجوها (۲) و قتل عام عیسویان فرقه سر دوده و تمام خونریزی

۱- Albigensis فرقه ای بودند که در قرن دوازدهم میلادی در ایالت آلبانی فرانسه تشکیل گردید. آنها با یاب مخالفت کرده و در قلع و قمع آنان حوزه یاب فحاشی را مرتکب گردید که خانه از ذکر آن شرم دارد .

وحشیانه ای که در این مدت طولانی جریان داشت نتیجه جور و تعصب شدید مذهبی بود که جنگ صلیبی آنرا اشاعت داد.

بعد از بیان مختصر نتایج و خیمه جنگ نامبرده اینک بذکر نتایج خوب و مفیده آن مبادرت مینمائیم :

جنگ صلیب از نظر اجتماعی و سیاسی اولین خدمت شایسته و مهمی که نمود این بود که لا اقل در فرانسه و ایتالیا از نفوذ و اقتدارات ملوک الطوائفی و صاحبان اراضی کاسته و مبانی حکومت آنان را اعتزلزل گردانید. سرداران بزرگی که بفلستین حمله بردند برای تهیه هرینه لشکر کشی نه فقط مجبور بفرهنگ و فروش املاک خود گردیدند، بلکه در تمام قصبات و شهرهای املاک خود امتیازات و حقوق مالکانه ای که داشتند همه را بمرض فروش در آورده و کلمه اختیارات خود را از دست دادند، نتیجه این شد که حکومتهای کوچکی در این نقاط پیدا شدند که مستقیماً تحت حکومت مرکز و پادشاه وقت بودند و از اینرو تمام بلاد اطراف از جنگ حکومت ملوک الطوائفی خلاص شده و در آنها حکومتهایی از انجمن ملکی برقرار گردید و در نتیجه از قوت این ارباب ملوک هندی کوچک هم کاسته و بالاخره نفوذ مرکزی بسط و توسعه را گذاشت. پادشاه هر روز بر نفوذش افزوده و بر ملاکین و رعایای ایشان تسلط کامل حاصل نمود. سلاطین فرانسه که قبل از جنگ صلیبی در نهایت ضعف بودند بواسطه خرابی و تباهی اربابها و ملاکین بتدریج قوت گرفته و همین اربابان محلی که وقتی با شاه همسری مینمودند متدرجاً ضعیف گردیده تا بجائی رسیدند که فقط نامی از آنها باقی بود.

قوت صاحبان املاک فقط در فرانسه و ایتالیا دو باحفظان نهاد ولی در انگلستان و آلمان تبعه بعکس انجشد. در آنجا که صاحبان املاک در جنگ خیلی کم سهم گرفته بودند ایشان بحدت اصلی خود باقی ماندند بر عکس سلاطین آنها که نسبتاً بیشتر سهم گرفته بودند لذا از قوت ایشان کاسته امراء و صاحبان املاک بیشتر موقع پیدا کردند که اقتدارات شاه را محدود سازند. مثلاً سه نفر از سلاطین آلمان

که داخل جنگ شده بودند نتیجه این شد و قتیکه فرد **ریک دوم** آخرین ایشان وفات نمود از شاهنشاهی آلمان فقط اسمی باقیمانده بود . آری در فرانسه هم سه نفر از سلاطین در جنگ شرکت نموده بودند ، لیکن شرکت **فیلیپ او گوست** چندان طول نکشید و بعد از چندی برگشت و اما در مدت غیبت **لوی هفتم** و نهم از حسن تدابیر و جدیت **سوژر و ملکه بلانش** اربابانی که ضعیف شده بودند تمام ایشان زیر نفوذ مرکز درآمدند .

اگر ما از نتایج آتی و بعیده وقایع تاریخی بحث کنیم با سانی میتوانیم ثابت کنیم که ریشه طرز محکم و یا بدار حکومت فعلی انگلستان منتهی بحالات و اسباب خاصی میشود که از جنگ صلیبی پیدا شده اند .

جنگهای بین اروپا و آسیا در بازو گانی هم تأثیرات نمایانی بخشید ، لشکر کشی عمده و مهمی که اروپا تا مدت دو بیست سال بطرف مشرق مینمود تجملات جنگی و رساندن مهمات و اسباب و لوازم این سپاه در امور داد و ستد خشکی و دریائی شرق و غرب انقلاب عظیمی بدید آورد . اهالی ماری ، بیزان ، ژن مخصوصاً اهالی و نیز از این انقلاب و هیاهو نتایج مهمی گرفتند نیروی دریائی ماری بدرجه ای ترقی نموده بود که در سال ۱۱۹۰ میلادی **ریشارد شیر دل** تمام سپاه خود را از این بندر سوار گشتی نموده و بارض مقدس روانه داشت .

ترقیات تجارانی که بوسیله جنگ صلیب فراهم آمده بود بواسطه اخراج صلیبیان از آسیا چندان سکتان بان وارد نیامد چه اکثر بنادر مستقل تجارتنی ایتالیا با سلاطین اسلام معاهدات تجارتنی بسته بودند و همین تجارت با مشرق باعث ترقی و نیز شده و تا قتیکه بواسطه اکتشاف راههای بحری جدید تجارت مزبور بدست اقوام دیگر نیفتاده بود پیشرفت آن بدرجه کمال بوده است ،

جنگ صلیبی در پیشه و هنر هم تأثیراتی بخشید . سرداران صلیبی با وجود زندگی ساده روستائی خود وقتی زندگانی تجملی دلفریب اهل مشرق را دیده زیاد متأثر گردیدند . و لذا بوسیله تجارت بنای اقتباس و تقلید از ایشان را گذاشته

در قرن دوازدهم و بیشتر در قرن سیزدهم نسبت با سلجقه و ملبوس و نیز ابنیه و عمارات تراکت و آرایش و تزییناتی که در مشرق رواج داشت در اروپا هم معمول گردید. معلوم است در لوازم زندگانی و اسباب معاشرت هر قدر سلیقه و تراکت زیاد شد بهمان اندازه پیشه هم رو به ترقی میگذارد چه وظیفه پیشه است اشیائی که در بازرگانی ضرورت می یابد تهیه کرده تحویل نماید. مسلم است که فن تجاری، زرگری، شیشه سازی کاشی کاری درجه کمال آنها ممکن نیست که بدون تخصص فنی صورت گیرد و تخصص آن قبل از جنگ صلیب در اروپا مفقود بوده لیکن از آسیا بزودی به اروپا آمده و در تمام کشور شایع گردیدند. مثلاً و نیز شیشه گری صور را سر مشق آقباس خود قرار داد. بافتن حریر آلات و رنگرزی عالی که مسلمین در آن متخصص بودند در اروپا رواج یافت. در میان سپاهیانیکه از اروپا به مشرق در طرف دویت سال عبور و مرور مینمودند معمار و آجازه و دوانگر و آهنگر موجود بودند چون غالباً توقف آنان در شاه بطون مانجامید لذا از هنروران مسلمین بسهولت استناده نموده پیشه و هنر آنان را اخذ و تکمیل مینمودند.

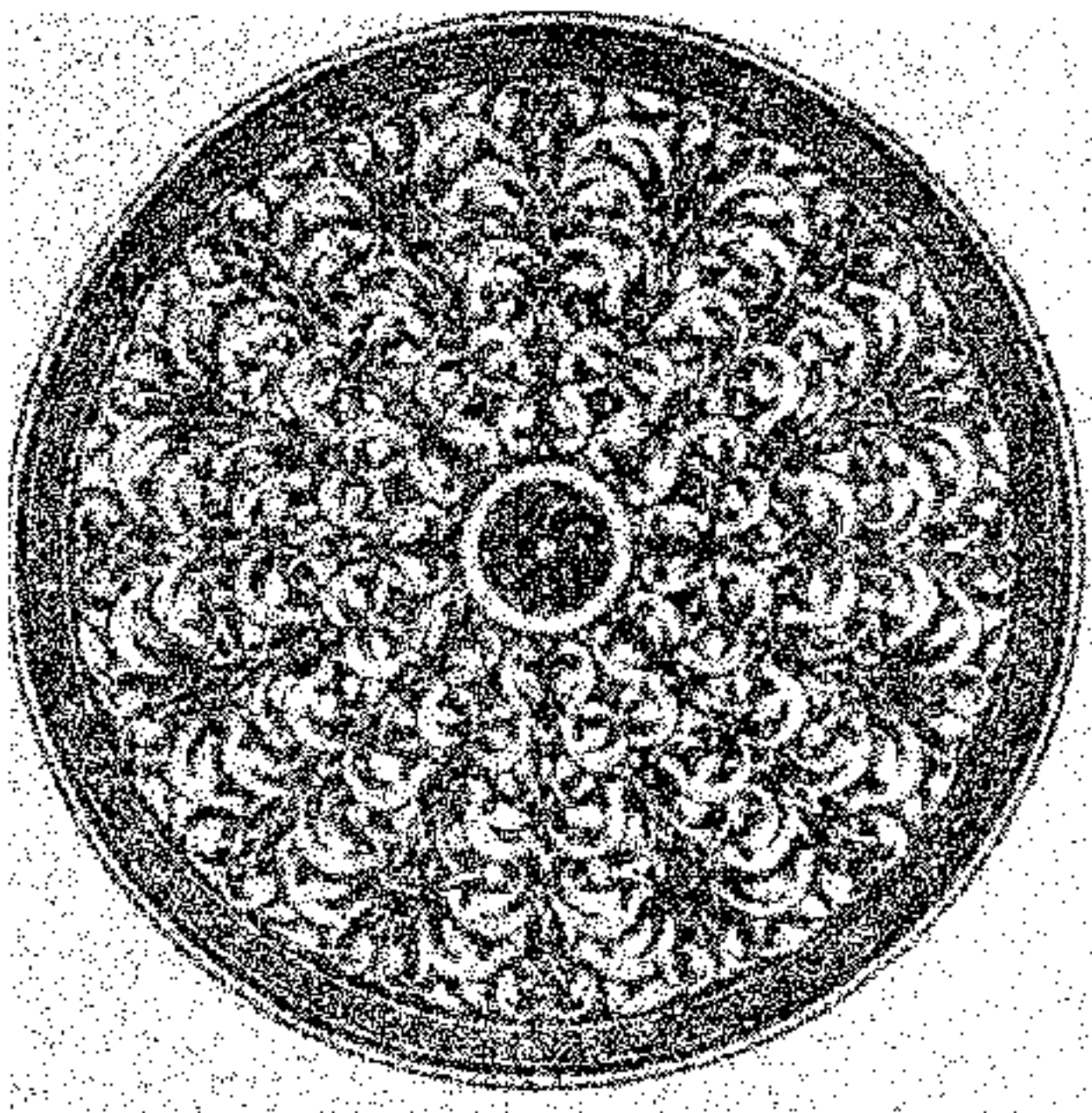
مشرق در پیشه و هنر هم ضمن این جریانات تأثیرات مهمه باروپا بخشید و از قسطنطنیه تا مصر اشیاء نفیسه ای که وجود داشت صلیبیون تمام آنها را دیده در سلیقه و ذوق ایشان از دیدن آنان تفاوت و تغییر کلی پیدا شد.

در طرز معماری اروپا نیز انقلاب کلمی رویداد چنانکه ما در یکی از ابواب آته ثبت خواهیم نمود که در عمارات اولیه اروپا تمدن عربی تأثیر نمایانی بخشیده است اما از حیث علوم جنگ صلیب چندان عامل مؤثر نبوده است. هر چند عقیده بعضی مورخین بر اینست که جنگ مزبور در علوم اروپا نیز تأثیر بخشیده ولی باید دانست که در میان سپاهیان صلیبی اهل علمی وجود نداشته بعلاوه اینمطلب ظاهر است که علوم یکت قوم غیر از طرز معماری یک خانه یا بعضی هنر های یدی ایشانست که باسانی در سرزمین دیگر انتشار پیدا کند.

اینکه ما مسئله تأثیر علمی را بطور کلی انکار نمیکنیم برای اینست که بین پیشه



(۱۶۲) . ظرف مسی حکاکی کار دمشق که معروف بجام تعیین سن لونی میباشد*



(۱۶۳) - يك دورى مسی ساخت عرب

و علم نسبت خیلی نزدیکی وجود دارد و غالب اینستکه بوسیله پیشه و هنر علم هم طرف توجه واقع میشود. اروپا در قرون وسطی معلوماتی که در علوم و ادبیات حاصل نموده شکی نیست که از کتب علمی و ادبی مشرق بوده ولی مادر یکی از فصول آئیه ثابت خواهیم نمود کتب نامبرده که در اروپا منتشر گردیدند بوسیله جنگ صلیب نبوده است. از حیث ادبیات هم جای تردید نیست که جنگ صلیب در اروپا تأثیر داشته است ولی تأثیر آن چندان زیاد نبود. بواسطه این جنگ زمینه هائی دست یکمده از شعرا و نویسندگان آمد.

در موضوع سحر و جادوی مصر و سایر عجائب مشرق گودفر وای، تانگرد و دیگران حکایاتی منظوم و بین مردم انتشار دادند.

در خانمه بیان گوئیم که مشرق از حیث تمدن تأثیرات خیلی زیادی بوسیله جنگ صلیب بااروپا بخشیده ولی این تأثیر بقدریکه دربارگانی و پیشه و هنر بود در ادب و آندر نبوده است .

ما وقتی که یک رشته روابط تجارتنی و ترقیات مربوط به پیشه و هنر را در نظر میگیریم که به وسیله صلیبیان و مسافرت ایشان بمشرق دراروپا پیدا شده میتوانیم گفت که همین جنگهای صلیبی اروپا را از عادات و اخلاق رذیله و اطوار وحشیانه خارج ساخته و زمینه ای در آنها تهیه نمود که بعدها علوم و ادبیات مسلمین که بوسیله دانشکده های اروپا انتشار یافت طوری آن را بسط و توسعه داد که بالاخره یک روزی در آتیه منشأ رنسانس (تجدید حیات علمی) گردید .

کتاب چہارم
رُسوم و نطامات مسلمانین

چاپ سوم

باب اول - عرب بدوی و دواتی

فصل اول

طرز معیشت اعراب قدیم

ما در نظر داریم که در ابواب و فصول این کتاب شرحی بطور مختصر از طرز معیشت اعراب قرون اولیه اسلام بدان نمائیم و چون از مطالعه رسوم و عادات موجوده آنان تنظیمات اولیه اجتماعی و سیاسی آنها که تا کنون اثر آن باقی مانده میتوان کاملاً بر برد این بیان ما مبنی بر حالات موجوده آنها خواهد بود. اگرچه این نظر بقه معنی از حالات موجوده پی بحالات قدیمه بردن در بسیاری از اقوام عملی نیست لکن ما می توانیم بآسانی ثابت کنیم که نسبت باقوام مشرق که در اینجا از تاریخ آن ها صحبت میداریم طرفه بالاکاملاً عملی و قابل اجرا میباشد.

یکی از مهمات برجسته اقوام مغرب اینست که سرعت در آنها تغییر و تبدیل روی میدهد مثلاً اگر عصر شارلمان را با عصر نئوی چهاردهم که چندان فاصله ای بین آنها نیست بسنجیم معلوم میشود که فرق محسوسی بین این دو عصر وجود داشته بعدیکه در علوم و فنون و حرفت و هنر و از همه بیشتر در اصول معاشرت حتی زبان تغییر پیدا شده است.

ایکن باید در نظر داشت که تغییرات دو عصر تاریخی از این جهت زیاد معلوم میشود که تاریخ فقط از طبقات عالیة مدنی بحث مینماید و الا در طبقات متوسطه و دایه تغییر و تبدیلی که گفتیم خیلی کم است. ترقی علوم، ادب، پیشه و هنر که از تمدن یک قوم حکایت میکند در طول چند قری در عامه خیلی کم تأثیر میبخشد

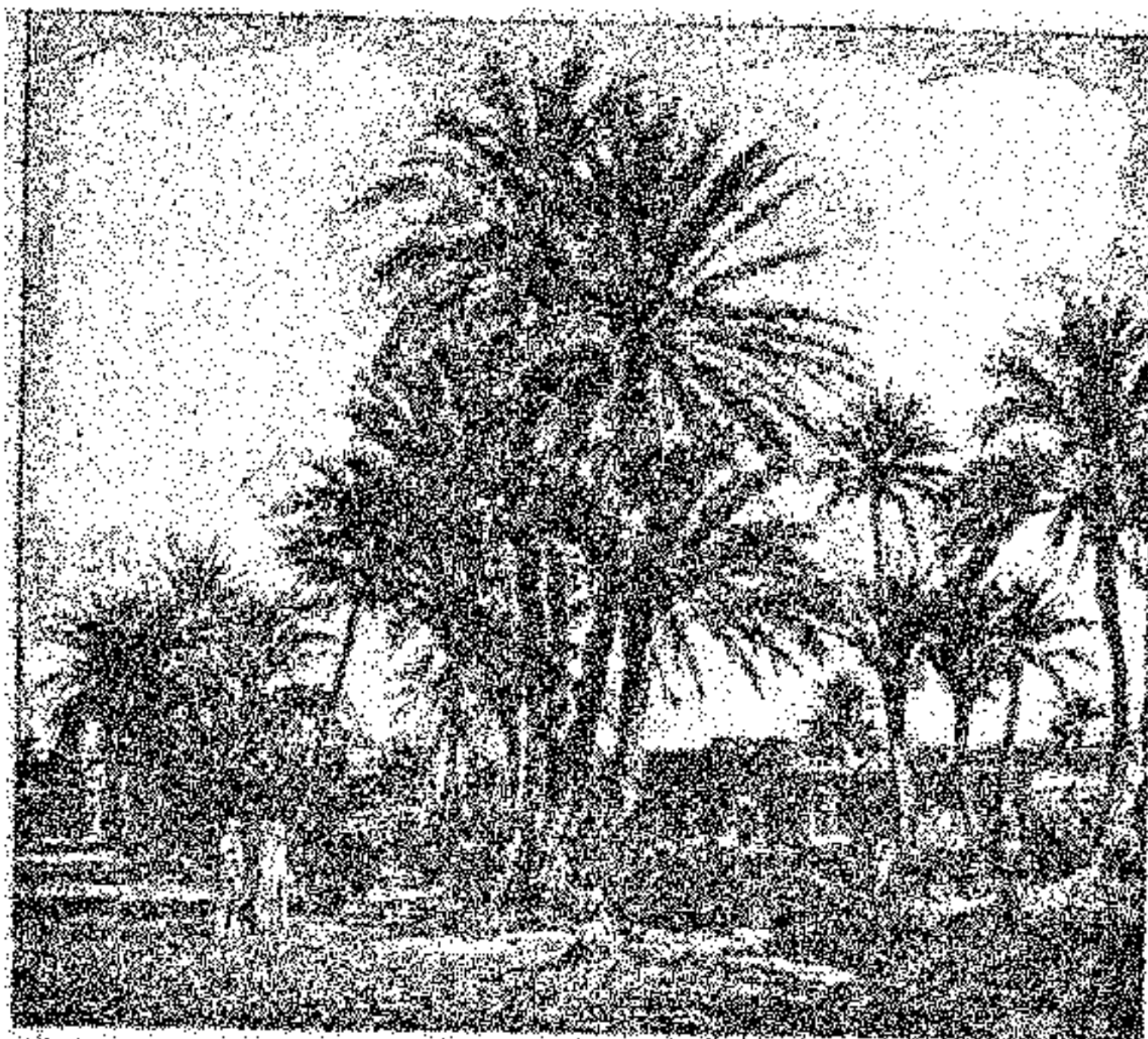
مثلا بین صاحبین **شارل مارقل** با اخلاف ایشان که در زمان **لوی** چهاردهم بودند فرق نمایانی محسوس میباشد لیکن بکنفر آهنگر یا بتا و پادشاهی همان عصر را با عصر ما مقایسه کنیم می بینیم که تفاوت و فرق بین آنها خیلی کم است چنانکه در برتن (۱) هنوز کشاورزانی یافت میشوند که کاملاً با اسلاف هزار سال قبل خود مشابهت داشته و در تمدت طولانی ابتدا تغییری در آنها روی نداده است.

اگر چه فرق بین این دو زمان بدانگونه است که گفتیم ولی باز هر چه باشد فرقی بین آنها موجود است، چه اصل محیط در این میانه تبدیل پیدا کرده و روستائی مزبور هر چند در قوای دماغی نسبت با اسلاف باستان خود ترقی نکرده لیکن در آن قری و صحاری خیلی دور هم که غیر از زبان روستائی بزبان دیگری آشنا نیستند معذک نسبت بآباء و اجداد خود که در محیط دیگری زندگی مینمودند تمدن روز افزون کنونی از دور هم باشد انعکاسی در آنها بخشیده است.

این نظریه اروپائیان که اقوام مشرقی تبدیل و تغییر پیدا نمیکنند نسبت به وضعیات فعلی آنها صادق است لیکن در ازمنه سابقه تبدلات زیادی در آنها پیدا شده یا لا اقل طبقات عالیه که در آنها صلاحیت تغییر هست تغییر پیدا نموده اند مثلاً بین بکنفر مسلمان از اجزاء در بار سلطنتی **بو عبیل** (۲) با یکی از صحابه عمر فرق نمایانی موجود میباشد و از آن زیاد تر فرقی است که بین بکنفر فاضل دانشگاه بغداد یا قرطبه یا بکنفر شمر چران صحرای عربستان محسوس و آشکار میباشد. در هر حال تغییرات زمان در طبقات دانیه اجتماع چنانکه گفتیم خیلی کم معلوم میشود و این قاعده در هر قومی صدق مینماید و بنا برین بین يك عرب دهائی زمان **پیمبر اسلام** و بالاتر از آن بکنفر عرب صحرا نورد با اعراب حالیه که از نسل آنها میباشد باید خیلی کم فرق بوده باشد و همینطور هم هست.

۱ - Bretons نام شبه جزیره قسمت غربی و شمالی فرانسه و آن در قدیم ایالتی بود مستقل و حالا چندین قسمت تقسیم شده است در سنه ۲۸۴ میلادی قوم برتن بدانجا رفته سکونت نمودند و بدینجهت برتن نامیده میشود.

۲ - نام **ابو عبدالله** پادشاه فرماطه است.



(۱۶۴) - واحه یسکرا در الجزیره

و از این رو تقیّماتی که در اقوام مغربی مسلم گردید در اقوام مشرقی هم عین آن را در نظر گرفته طبقات مختلفه قابل و غیر قابل تغییر هر یک را از دیگری تفکیک نموده و از هر کدام جدا گانه بحث مینمائیم .

با در نظر گرفتن فرق مذکور اینرا هم باید در نظر داشت که حالیه اعراب (مسلمانان) در طول یک قرن نسبت با اقوام اروپا عیلی کم تغییر و تبدل پیدا میکنند و این حالت جمود و رکود آنها تنها مبنی بر این نیست که تمدن باستان آنها از بین رفته بلکه بیشتر برای این است که در قرآن ، کتاب آسمانی ، آنها قوانین و قواعد مذهبی و سیاسی و اجتماعی با هم ترکیب و امتزاج یافته ، همینطور که قرآن غیر قابل تغییر شناخته شده امور و مسائل و احکام

اجتماعی آنها هم صورت ثابتی بخود ذکر کرده است ، پیروان دین اسلام بعد از چندی در سلسله زنجیر محکم کتاب و سنت و سیره مقید شده و اثر آن بعد از سالیان دراز از روی اصول توارث بقدری محکم و پایدار گردیده است که هیچ قوه ای نمیتواند با آن مقاومت نماید . اینجاست که رسوم و آداب قسمت غالب آنها برور زمان بقدری محکم و ثابت گردیده که غیر قابل تغییر بنظر میآید و بدینجهت است که از مطالعه حالت موجوده بحالات گذشته آنها خوب میتوان پی برد .

تا اینجا شرحیکه گفته شده مخصوص است باعراب متوطن دهات و اعراب صحرا نشین که در آنها خیلی کم فرق و تفاوت پیدا میشود و الا در اعراب متوطن شهرستانها که در ازمنه مختلفه مغلوب فاتحین مختلف شده اند تغییرات و تحولات زیادی روی داده است ، فقط چیزی که هست اینکه چون خود فاتحین مزبور دین اسلام را قبول کرده و احکام قرآنی در تمام اجزاء زندگانی روز مره هر مسلمانی تماس و ارتباط تام دارد لذا در رسوم و اوضاع فاتح و مفتوح فرق زیادی محسوس نمیشد ، بنا بر این هر چند تصاویر حاضره این اعراب شهری با تصاویر سابقه آنها کاملاً مشابه نیست معذک بین آنان تا ایندرجه شباهت (بالضروره) موجود است که هر یکرا زمینه اطلاع از دیگری میتوان قرار داد .

نظر باینکه اصول اجتماع هر يك از اعراب متوطن شهر یا دهات و نیز اعراب صحرا نشین با دیگری فرق دارند لهذا حالات هر کدام از آنها را جداگانه بیان مینمائیم .

فصل دوم

طرز معیشت بدوی

نظر باینکه ما در سابق خصایص بدویها را مفصلاً بیان نموده ایم تکرار آنرا در اینجا زاید دانسته و درین فصل فقط طرز معیشت آنها را تحت مطالعه آورده از آن بحث مینمائیم .

بیان رسوم و عادات بدوی نسبت باهالی شهر و دهات خیلی سهل و آسان است چه طرز معیشت آنان بسی ساده و پیچیدگیهاییکه در اصول زندگی شهری وجود دارد در



(۱۶۵) - چادر اعراب بدوی در الجزایر

بدوی نیست. تصویر معاشرت و اجتماع آنها را که ذیلا نشان خواهیم داد ما آنرا از کتاب **کست** (۱) اقتباس نموده‌ایم. این مرد پنجاه سال پیش در میان بدویهای خود سر کناره‌های نیل اقامت داشته و راجع بحالات آنها کتابی تألیف کرده است و چون اصول معاشرت و زندگانی اعراب صحرا نورد در همه جا یکسان و تفاوت و فرق بین آنها بقدری کم است که بیان کت از اعراب بدوی عصر **سلیمان** گرفته تا بدویهای دوره **پیغمبر اسلام** و عصر حاضر بر تمام آنها کاملا صدق مینماید و تا وقتی که در خود فطرت و طبیعت تغییری راه نیابد و صحرای عربستان و افریقا معدوم نشود این بیان **کست** بر تمام اعراب صحرا نشین همیشه صادق میباشد.

۱- Coste